

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

انحطاط ذهنی و خشونت در کشور در هم شکسته از جنگ آیا با گواهی دادن های "طالب" ها، امریکا گیج شده است؟ وقاحت رفتاری و قباخت اخلاقی را باید مردود شمرد

آیا افغانستان عزیز ما و ادار با ایجاد صلح خواهد شد؟
شلاق کوبیدن بحریم فردی و تعصب و کژنگری
تشدید تنش و فربه سازی انحطاط فکری
مرهم بر زخم هایی که هنوز بازاند

نظریه اندر باب انحطاط و ذوال اندیشه در کشور عزیز ما افغانستان، منشأی منا قشات و مجادلات فراوانی بویژه در امتداد چهاردهه پسین بوده است که بدون تردید در نوع خود درخور تأمل می باشد. تأیید و یا تنقید این نظریه از جانب صاحب نظران، هر کدام زاویه و بُعدی از تاریخ اندیشه و اندیشه سیاسی در کشور ما را روشن ساخته اند. یادداشت حاضر بر آن است تا از یکسو افق دیگری با هدف ترمیم و بسط و تعمیق نظریه انحطاط و ذوال اندیشه سیاسی در افغانستان بگشاید و از جانب دیگر بر ضرورت مطالعه و پژوهش درباره اندیشه سیاسی تأکید گردد. تاریخ اندیشه سیاسی و منطق درونی آن، بغرنجترین و تاریکترین بخش عمومی اندیشه در دوران اسلامی محسوب می گردد. چگونه ای می توان ادعا نمود که نقد و بررسی اندیشه سیاسی این دوران نه تنها هنوز آغاز نشده است، بلکه شناخت اجمالی نسبت با اهمیت و ضرورت آگاهی از التفات باین دست پژوهش ها نیز احساس نشده است.

وسایل اطلاعات جمعی گزارش هایی را در مورد "امکانات تاریخی پایان بخشیدن به درگیری های چهاردهه پسین در کشور" به نشر سپردند. عده ای از سیاستمداران در مورد آغاز بکار گفتگوهای روز شنبه مورخ ۲۲ ماه سنبله سال روان در قطر، ابراز نظرهای متفاوتی بعمل آوردند. قابل یاددهانی پنداشته میشود که در آغاز مذاکرات، انواع مختلف و گونه گونه پیش شرط های مطرح گردیده در مذاکرات قبلی امریکایی ها و "طالب" ها مبنی بر فراخواندن مرحله بی نظامیان خارجی از اراضی کشور ما و رهایی زندانیان توسط دولت افغانستان و "طالب" ها، تأکید بعمل آمد. با این حال و با وجود اینهمه، هنوز نمی توان موافقتنامه های حاصله را دارای پایه و اساس محکمی تصور نمود، چه انجام حملات و اقدامات تروریستی بگونه بیسابقه و بدون وقفه علیه نیروهای امنیتی کشور، گواه ادعای ذکر شده می باشد.

شهروندان کشور عزیز ما، درگیریهای طولانی مدت مسلحانه را پشت سر گذاشته و بیشتر از این، تحمل مضاعف آنهمه رنج ها و مصیبت های ناشی از درگیری های یادشده را نداشته و منتظر استقرار صلح و تأمین امنیت سرا سری در کشور می باشند. آیا امکانات تاریخی لازم بمنظور ختم درگیری های مسلحانه در کشور وجود دارد؟ آیا می توان از عملگرایی، خویشتنداری و انعطاف پذیری در جریان مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی سخن گفت؟ آیا در جریان ملاقاتها و گفت و شنودها، نقطه نظرها و چگونگی نگاه و نحوه دید تمامی اقشار، طبقات و گروه های اجتماعی بشمول زنان و سایر اقلیت های مذهبی در نظر گرفته می شود؟

بخاطر باید داشت که امضای توافقنامه امریکا - "طالب"، مسیر تدویر و راه اندازی گفتگوهای میان افغانی را مساعد و مهیا نمود. نباید فراموش خاطر ما شود که میان طرف های یادشده، تفاهماتی درباره مسایل مورد نظر،

روی سپید کاغذ را سیاه نموده و اما مسأله عمده و بخش اساسی عبارت از قوهٔ بفعال مبدل نمودن و تطبیق عملی تعاملات بدست آمده بشمار می آید. مطابق تعامل یادشده، نظامیان ایالات متحده و ناتو طی مدت زمان ۱۴ ماه سرزمین کشور ما را باید ترک نمایند. طرف امریکایی از مداخله در امور مربوط به سیاست داخلی کشور ما پرهیز نموده و تبادل زندانیان نیز باید صورت عملی بخود اختیار می نمود. اما باید پذیرفت که تطبیق و اجرای تعهدات ذکر شده عاری از مشکلات نبود. بنابراین، خطر احتمال اخلاص و برهم زدن ابتکار عمل چهارم ماه مارچ سالروان نیز عرض وجود نمود. ایالات متحده بمنظور دفاع از متحدینش، علیه "طالب"ها که بر پوستهای امنیتی دولت در هلمند یورش بردند، حملات هوایی گسترده ای انجام داد. در مورد تبادل زندانیان، در اول امر، عوامل داخلی در کار نبود. توسط مقامات دولتی در کابل، در مورد رهایی تعداد ۴۰۰ تن از زندانیان باقیمانده "طالب"ها تصمیم اتخاذ گردید، اما بدلیل عدم رضایت پاریس و کانبیرا، بتعداد شش تن از زندانیان یادشده، همچنان در زندان باقی ماندند. در نهایت امر، در مورد یادشده، سازشی مبنی بر انتقال عده یادشده به دوحه بعمل آمد. تصمیم اتخاذ گردید تا آنها در طول مدت زمان تداوم و انجام گفتگوها در دوحه و تحت مراقبت مقامات قطری قرار داده شده و در صورت شکست مذاکرات، ممکن مجددن به زندان انتقال داده شوند.

اینک که شاهد آغاز و تداوم مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی در دوحه مرکز قطر می باشیم، طرف های گفتگو کننده بمنظور ختم درگیری های مسلحانه چهل ساله در کشور به رأی می پردازند. در این مقطع پرسشی ذهن همه را بخود مشغول نموده که آیا گفتگوهای کنونی میان افغانی، شرایط واقعی را بمنظور آغاز روند آشتی ملی و سهمگیری و شراکت "طالب"ها در روند سیاسی موجود در کشور مساعد و مهیا خواهد نمود؟ آیا ابتکار راه اندازی گفتگوها و سربراه نمودن و آغاز مذاکرات میان افغانی، بویژه مورد تأیید و پشتیبانی کشورها و دول منطقه که بحران کنونی در کشور ما را تهدید جدی بامنیت داخلی شان می پندارند، محسوب می گردد؟

با آغاز بکار مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی بروزشنبه ۲۲ ماه سنبله سالروان، و اشنگن پس از دوده راه اندازی جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور ما، بلاخره در نوع خود تازه ترین طرح را در میز مذاکره به طرف مقابل پیشکش نمود.

با از دست دادن برخی از مواضع نظامی و جنگی دولت، "طالب"ها، بروسعت قلمرو تحت حاکمیت شان افزوده و ایالات متحده را نیز واداشتند تا با فراخوانی و عودت نظامیان آن کشور از افغانستان متقاعد گردد. اما بویژه یکروز قبل از آغاز گفتگوهای یادشده، "طالب"ها با انجام اقدام مسلحانه علیه نیروهای امنیتی کشور در خوگیانی، به نمایش قدرت متوسل گردیدند که در نتیجه آن بتعداد ۱۶ تن از سربازان قوای مسلح کشور جام شهادت نوشیده و عده بیشماری نیز جراحت برداشتند. این در زمانی بوقوع پیوست که گفتگوهای صلح در دوحه همچنان ادامه داشت.

در حال حاضر، هیأت نمایندگی دولت افغانستان که در آن بتعداد ۲۱ تن برهبری عبدالله شرکت داشته بمنظور تداوم و انجام مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی در دوحه مصروف رأی می گفت و شنود می باشند. بگفته بسیاری از دست اندرکاران مسایل کشور ما، ملاقات و گفتگوهای یادشده، بگمان اغلب که در نوع خویش یکی از مشکل ترین و پیچیده ترین ملاقات ها و گفتگوهای پروسه صلح جهان بشمار می آید. در اراضی متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، در نتیجه درگیری های مسلحانه، خونهای زیادی از انسان ها بزمین ریخته و انسانهای بیشماری بشمول نظامیان و افراد و اشخاص بیدفاع ملکی از زندگی ساقط گردیدند. بویژه در نتیجه درگیری های مسلحانه دوده پشین، جامعه افغانی به قطعات مختلف و متنوعی مبدل گردیده که غلبه وفا بق آمدن بر پارچهای جداگانه و ترمیم شکست و ریخت های بوجود آمده، آنقدرها هم کار ساده و آسانی نمی باشد.

گفتها و اظهارات فوق، طی نخستین روزهای آغاز بکار گفتگوهای یادشده نیز مورد تأیید قرار داده شد. نخست قرار بر آن شد تا کمیته مشترک طرف های موجود (دولت افغانستان و "طالب"ها) در مورد اجندا و تاریخ قطعی آغاز مذاکرات به توافق و تفاهم نایل آیند.

با این وجود، دولت ایالات متحده که در جریان مذاکرات پشین با "طالب"ها، فقط دوماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری آن کشور، در مورد راه اندازی و تدویر گفتگوهای میان افغان ها توافق طرف های درگیر را حاصل نمود، سعی بعمل می آورد تا آغاز و نتیجه بخشی گفتگوهای میان افغانی را بمتابه جزئی از انجام اقدامات و

فعالیت های ایالات متحده پنداشته و بدیگران درباره اثربخشی برنامه های اداره و اشنگتن حرافی نموده باشد. دیپلمات های ناظر بر گفتگوهای حاضر، تأکید بعمل می آورند که آغاز مذاکرات و گفت و شنودهای یادشده، برای افغان ها فرصت تاریخی قطع جنگ و خونریزی را بیش از هر زمان دیگری مساعد و مهیا خواهد نمود. تودهای میلیونی کشور عزیزما، سال های متمادی و طولانی جنگ و درگیری های مسلحانه را تجربه نموده و متحمل خسارات و تلفات بیحد و حصری گردیده و بنیاد و اساس جامعه و کشورما نیز در هم ریخته شد. همه منتظر ایجاد و استقرار صلح پایدار و قطع درگیری های مسلحانه می باشند.

این مسأله نیز در خورتوجه و قابل دقت پنداشته میشود که مذاکرات و گفتگوهای آغاز شده میان دولت و "طالب" ها بابتکار ایالات متحده براه انداخته شده و چنین ابتکار عملی توسط دول کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای جهان نیز مورد تأیید و پشتیبانی قرار داده شده و بلاخره باین واقعیت گردن نهادند که بحران افغانستان بمتابه یکی از تهدیدهای جدی امنیت بین المللی محسوب می گردد.

بگفته بسیاری از نماینده های کشورهای منطقه و بویژه نماینده های کشورهای همجوارما، استقرار صلح و امنیت در افغانستان مستلزم از خوگذری و سعی و تلاش همگانی بحساب می آید که خواهی خواهی، متضمن منافع و مصالح سراسر منطقه محسوب می گردد.

از جانب دیگر، وزیر امور خارجه هند از طریق توپنزش، شرکت کننده های گفتگوهای ذکر شده را مخاطب قرار داده افزود که تداوم مؤفقانه مذاکرات و گفتگوهای یادشده به یقین که جو ابگوی امنیت و صلح در سراسر منطقه بشمار آمده و تضمین کننده تمامیت ارضی و استقلال افغانستان بشمار می آید.

یاد آور باید شد که آغاز گفتگوهای میان افغانی در دوحه بمعنای آن نمی باشد که چنین آغازی را بمتابه مؤفقت آمیز بودن نخستین تلاشها در مورد آشتی ملی در کشور بحساب آورد، چه چنین اقامه دعوا میگردد که هر دو جا نب وارد گفتگوهای اجباری شده اند. قبل از همه، مسأله فوق برای "طالب" ها بمتابه پیش پرداختی در قبال تعهد امریکایی ها در مورد فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان پنداشته می شود. رهبران "طالب" ها در صدد آن می باشند تا بهر قیمت ممکن، نظامیان خارجی از سرزمین کشورما فرا خوانده شده و پس از واگذاری کامل اراضی و مناطق مربوط با افغانستان، با خارجی ها و حاکمیت کنونی در کابل به تصفیه حساب خواهند پرداخت. بنا بر آن، کابل تحت فشار دونالد ترامپ به گفتگوهای یادشده حاضر گردیده تا نامبرده پس از دستیابی به توافقنامه ای با "طالب" ها در مورد ختم جنگ ایالات متحده در سرزمین افغانستان و با فراخواندن نظامیانش، در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری، برگ برنده ای بدست داشته باشد.

از جمله واقعیت هایی که نمی توان بسادگی از آنها گذشت، یکی هم اینکه، اکنون دولت افغانستان و "طالب" ها، بویژه پس از درگیری های طولانی مدت نظامی و جنگی با بن بست مواجه گردیده و به بی نتیجه بودن راه حل نظامی قضایای کشوری بردند. چه، در واقع امکان مؤفق گردیدن و فایق آمدن "طالب" ها بر کابل و در مجموع، مسلط شدن بر تمامی کشور از قوه بفعل مبدل نگر دیده و قادر به دستیابی به مؤفقت چشم گیری نشده و دولت وقوا ی مسلح کشور نیز بدلیل تداوم پشتیبانی عقب جبهه یی استخبارات پاکستان از "طالب" ها، مؤفق به شکست کامل و همه جانبه آنها نگردید. با در نظر داشت وضعیت و سبک و سنگین نمودن اوضاع سیاسی - نظامی، پیروزی قطعی و کامل یکی برد دیگری اصلن امکان ناپذیر بنظر رسیده و بنا برین، همه طرف های درگیر داخلی، منطقوی و بین المللی اقدام به برگزاری و آغاز و انجام مؤفقانه مذاکرات و گفتگوهای صلح آمیز نمودند تا در رفع بن بست بوجود آمده ممد و مؤثر واقع گردیده و با جور آمدن ها و بده بستان هایی، در امر ایجاد آشتی ملی در کشور، کاری از پیش برده باشند.

دروضعیت و شرایطی که "طالب" ها مصروف انجام عملیات نظامی آنها قبل از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و دستیابی به تداوم پشتیبانی فعال اسلام آباد، در حال چانه زنی در مذاکرات دوحه می باشند، دولت افغانستان نیز مؤفق گردید تا پشتیبانی هند و ایران را جلب نموده و علیه بازگشت و عودت "آخوندهای خشن" به تشکیل "اجماع منطقوی" مبادرت ورزد.

درباره مسأله مورد نظر پرسشی مطرح می گردد که آیا شرکت کننده های مذاکرات دوحه، خواهان تداوم مؤفقا نه مذاکرات و گفتگوهای روشن، واضح و قابل فهم می باشند؟

بتاریخ ۲۲ ماه سنبله سال روان شاهد مراسم گشایش و آغاز بکار نخستین گفتگوهای میان افغانی در قطر بودیم که در نوع خود یک رویداد تاریخی محسوب می گردد. ناظران، مؤقف و موضعگیری های دولت افغانستان،

"طالب"ها و هیأت های نمایندگی خارجی در این گفتگوها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. قابل یادآوری میباشد که در تداوم مذاکرات، بروز چهارشنبه ۲۶ ماه سنبله سالروان، به روزنامه نگاران و خبر نگاران اجازه شرکت و حضور در جلسات داده نشده و طرف های مذاکره کننده بدور از چشم کمرهای فلمبرداری و عکاسی، به بحث و گفتگوهای شان ادامه دادند. می توان آنها را درک نمود که پس از سالها سال عداوت و دشمنی و درگیری، اکنون همدیگرشان را در آغوش گرفتند.

اعضای شرکت کننده جانب "طالب"ها را می توان بدو گروه تقسیم نمود: اعضای شرکت کننده در مذاکرات و گفتگوها، این یکی و دیگری هم هیأت ناظر بر جریان گفتگوها و مذاکرات حاضر. دستیابی خبرنگاران بهمه اعضای شرکت کننده جانب "طالب"ها، سهل و آسان نبوده اما گفتگو و دسترسی به نمایندگیهای جانب دولت افغانستان، بهمه خبرنگاران و علاقمندان امکان پذیر بود. ملا برادر، شیرمحمد عباس ستانکزی و ملا حکیم حقا نی، از دیگران مجزاً گردیده و بگونه جداگانه بانجام فعالیت های شان ادامه دادند. اما نمایندگیهای دولت، با کمال میل با خبرنگاران و نمایندگیهای مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی مصاحبه نمودند. با اینحال، سخنرانان "طالب"ها، در اول امر بگونه مشخص در مورد آتش بس، سخنی بربان نیآوردند، اما درباره نظام اسلامی متکی بر شریعت و تشکیل حاکمیت آینده سیاسی با شرکت و سهمگیری همه حرکتها و جنبش های سیاسی تأکید ورزیدند. آنها در مورد چگونگی میکانیزم تشکیل چنین حاکمیتی توضیحات بیشتری نداده و اما در قبال پاره ای از مسایل مطرح شده، پاسخ دادند که پرسش های یادشده در جریان مذاکرات و گفتگوها مورد غور و بررسی قرار داده خواهد شد. طرف های شرکت کننده، بتاریخ ۲۵ ماه سنبله سال روان در مورد طرق و وسایل تدویر مذاکره به بحث و گفتگو پرداختند.

مطابق اعلامیهای بنشر رسیده طرف های شرکت کننده، تاکنون (۲۶ ماسنبله) مؤفق به تعیین و تصویب اجندای کاری جلسات نگردیده اما گروه های تماس در مورد یادشده بکار و فعالیت در زمینه مبادرت ورزیدند. در نهایت امر، طرف های شرکت کننده اطلاع دادند که در بیشترین موارد و مسایل مربوط به تفاهماتی نایل گردیده اند. قابل یاددانی پنداشته می شود که شرکت کنندگیهای مذاکرات میان افغانی (دولت و "طالب"ها) تاکنون نیز مؤفق به تهیه و تدوین برنامه کاری مذاکرات نگردیده اند، خبر یادشده بتاریخ ۲۶ ماه سنبله توسط طلوع نیوز به حواله اظهارات نادر نادری نماینده دولت و محمد نعیم، نماینده "طالب"ها در مذاکرات به نشر سپرده شد. هر دو جانب به تعیین نمایندگیهایی بمنظور تداوم تماس میان گروه های شرکت کننده در مذاکرات نیز توافق نمودند. ایالات متحده، در زمینه فوق تلاش می ورزد تا به جریان و پروسه مذاکرات قوه محرکه بیشتری بخشیده شود. می توان در مورد یادشده از تلاش ها و تحرکات نماینده ویژه وزارت امور خارجه ایالات متحده و انجام سفر به هند و ملاقات با وزیر امور خارجه، مشاور امنیت ملی و مقامات بلند رتبه آن کشور یادآوری بعمل آورد. اما قابل تذکر میباشد که تاکنون، طرف های شرکت کنندگیها در مذاکرات ایجاد میکانیزم قابل قبول بمنظور تأمین امنیت و صلح پایدار در کشور مؤفق نگردیده اند.

آیا این خوب خواهد بود اگر طرف های شرکت کننده، خواستار تداوم مذاکرات و گفتگوهای یادشده باشند؟ در وضعیت کنونی، چنین بنظر میرسد که آنها مشغول تهیه و تدوین نقشه کار سیاسی بمنظور قطع آتش (آتش بس) در کشور می باشند. بسیاری ها چنین می پندارند که پشتیبانی ها و حمایت های منطقوی و بین المللی از پروسه مذاکرات و گفتگوهای کنونی، به یقین کامل که در دستیابی به مؤفقیت و پیروزی های مطرح در مورد، نقش بسزایی ایفا خواهد نمود.

قابل تذکر پنداشته می شود که از همان نخستین روز نشست (۲۲ ماه سنبله) بدینسو، میان هیأت های نمایندگی دولت و "طالب"ها، در مورد عمده ترین و گلی ترین مسایل مورد بحث، از جمله در مورد چگونگی تقسیم و توزیع قدرت، نمونه کار در دولت، حقوق زنان، انتقال و ادغام هزاران تن از جنگجویان "طالب"ها در تشکیلات نیروهای امنیتی و برخی مسایل دیگر در عرصه مربوط به ساخت و ایجاد حاکمیت در کشور، نقاط نظر مخالف همدیگر و طرز دیدهای متضادی مطرح بحث قرار گرفت.

تداوم کار و انجام گفتگوهای یادشده میان نمایندگیهای دولت و "طالب"ها در دوحه که از ۲۲ ماه سنبله سالروان آغاز گردیده بود، همچنان پشت درهای بسته و بدور از چشم و دوربین خبرنگاران بکارش ادامه داد.

نماینده دولت در مذاکرات یادشده اظهار داشت که در مورد مسایل گلی نیز صحبت شده و اما تاکنون نیز در مذاکرات، قادر به طرح مسایل و ارائه پاسخی مناسب به پرسشهای عمده و اساسی نشده و تا هنوز که هنوز است، بحث و مذاکره در موارد یادشده آغاز نگردیده است. اما قرار است در نزدیکترین فرصت ممکن در مورد مسایل عمده و اساسی قابل بحث، مذاکرات و گفت و شنودها آغاز گردد.

بگفته شرکت کنندگان، تاکنون مذاکرات و گفتگوهای حاضر بگونه ای مثبتی ادامه دارد. نماینده "طالب"ها همچنان اظهار نمود که آنها از اجرای آتش بس در کشور نیز پشتیبانی بعمل می آورند. اما ناظران در مورد گفتگوهای یاد شده وضاحت بخشیده و یادآور می شوند که انعقاد قرارداد و نایل گردیدن به توافقی که نتیجه آن، قبل از همه و بیش از سایر موارد به تمایل هر دو جانب بمنظور سازش بستگی دارد، ممکن سال ها بدرزا کشد.

مسایلی که باید مورد توجه جدی مذاکره کنندگان گفتگوهای دوحه قرار گیرد، از جمله یکی هم تضمین حفظ آزادی های بدست آمده شهروندان کشور شامل آزادی رأی و بیان عقیده در کشور بوده و همچنان در مورد قانون اساسی کشور نیز باید یادآور شد که طبق میل و اراده امریکایی ها و هم پیمانانش در مجموعه قانون اساسی کشور ما نباید تغییراتی وارد گردد. همه نیک دانسته و باین واقعیت آگاه میباشند که مذاکرات و گفتگوهای مورد نظر، بمفهوم اخص کلمه باید و واقعن میان افغانی بوده و در امور و مسایل مورد بحث، نباید نقش و اثرگذاری قابل توجهی به خارجی ها قایل گردید.

کشور عزیز ما افغانستان، به نهادهای ملی، از جمله بارتش ملی، پولیس ملی و سایر نهادهای امنیتی اشد ضرورت دارد. بنظر بسیاری از کارشناسان مسایل مربوط بکشور ما، از جمله مسایل و موضوعات قابل بحث در مذاکرات دوحه، چگونگی ادغام جنگجویان "طالب"ها با نیروهای امنیتی کشور نیز در دستور کار جلسات کاری گفتگوها گنجا نیده شد. بخاطر باید داشت که برنامه های مورد نظر، باید مورد پذیرش هر دو جانب بوده و در قبال هیچکدام از طرف ها نباید شرایط از قبل تعیین شده، قرار داده شود.

با بررسی های همه جانبه می توان با صراحت لهجه بیان داشت که در میان "طالب"ها هستند گروهایی که در واقعیت امر طرفدار تداوم خشونت و ادامه درگیری های مسلحانه می باشند. این مسأله نیز کاملن واضح و مبرهن می باشد که اگر دونالد ترامپ با استفاده از هر وسیله ای در صدد فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان می باشد، مسأله فوق بیش از سایر موارد بمنظور استفاده ابزاری از وضعیت ذکر شده در انتخابات آتی ریاست جمهور ری ایالات متحده بخاطر دستیابی به پیروزی، انتخاب و اسکان مجدد دونالد ترامپ در کاخ سپید می باشد.

به یقین کامل که در گفتگوهای صلح دوحه، چگونگی مواضع، خواستها و انتظارات نمی توانند یکسان و همگون تصور گردند. هر گروه طی صحبت و انجام مصاحبه با رسانه ها، حرف و حدیث منحصر بفرد خود شان را بر زبان می آورند. پراگندگی و چندگانگی نیز بر مجموعه فضای مذاکرات و گفتگوها حاکم می باشد. عدم موجودیت جهات حقوقی تثبیت واقعیت وجودی حاکمیت کنونی و نبود پایگاه نیرومند اجتماعی دولت، سبب گردیده تا صدا و ندای هیأت کابل در قطر چندان رسا نبوده و اثرگذاری لازم را نیز نداشته باشد. آنها در مقایسه با حریف شان که نماینده های شان در مقابل آنها اخذ موقع نموده بودند، از نداشتن مشروعیت لازم بمنظور نمایندگی از توده های میلیونی کشور، سخت رنج می بردند. وضعیت متذکره، بیش از هر زمان دیگری، به تناقض وضعیت موجود در فضای گفتگوها انجامید.

در هیچ گروهی از موجودیت و حضور نمایندگان مهاجران کشور ما که تعداد مجموعی آنها به میلیون ها تن می رسد، اصلن اثری بمشاهده نمی رسد. همچنان عدم حضور چهره های مؤثر و سرشناس کشور در جریان کار مذاکرات و نبود نماینده های احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی در مجموعه هیأت های ذکر شده، بخش دیگری از جنبه های ضعیف موضوع مورد بحث را تشکیل می دهد.

با وجود آنکه بتاريخ ۲۲ ماه سنبله سال روان در دوحه ملاقات ها و گفتگوها میان نماینده های دولت و "طالب"ها بمنظور ختم جنگ در کشور آغاز گردید، اما تاکنون به اتخاذ تصمیم و فیصله قابل توجهی نایل نگردیده و مشغول بحث و گفتگو در مورد مسایل مورد اختلاف طرف های شرکت کننده در جلسات گفتگوهای یاد شده می باشند.